



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۵ / شماره ۴ (پیاپی ۶۰) / زمستان ۱۴۰۵
صفحه ۱۶۹ تا ۱۹۶

ارائه الگوی مفهومی مدیریت ریسک با رویکرد تاب آوری

زهرا نیازی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران
niyazi.zahra2020@gmail.com

بهاره بنی طالبی دهکردی

دانشیار و عضو هیات علمی، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)،
banitalebi57@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

چکیده

در دنیای سرشار از پیچیدگیها، دستیابی به مدیریت ریسک صحیح، به عنوان یک مفهوم اساسی و پایه در خلق کارآفرینی و ارزش آفرینی سازمانها مطرح است، بخصوص در زمان عدم قطعیت که مانع از عملکرد سریع و نادرست شرکتها می‌شود و به آنها اجازه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری می‌دهد. با این وجود با توسعه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی پایدار، سازمانها را با چنان عدم قطعیتی مواجه می‌کند که ضرورت دارد تا به بازنگری عوامل موثر بر مدیریت ریسک پرداخته و الگوهای نوین را با این رویکرد طراحی و تبیین نمایند. از اینرو هدف این پژوهش، ابتدا پرداختن به مفاهیم مدیریت ریسک و انواع ریسکها همچنین الگوهای تاب‌آوری در زمان عدم قطعیت در بین سرمایه‌گذاران از منظر دانش و سپس ارائه الگوی مفهومی مدیریت ریسک با رویکرد تاب‌آوری برای اولین بار در ایران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از تکنیک فراترکیب، به ارزیابی ۵۸ مقاله منتشر شده در پایگاههای علمی معتبر در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ انجام گرفت. سپس بر اساس رویکرد هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو، کدها استخراج، تجزیه و طبقه‌بندی شدند. پس از سنجش پایایی و روایی نتایج، سرانجام مدل مفهومی پیشنهادی مدیریت ریسک با رویکرد تاب‌آوری ارائه شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مدل مفهومی پیشنهادی، شامل ۱۰ کد اصلی است که هر کدام مدیریت ریسک‌های موجود را از منظر مثبت‌گرایی و تفسیری تبیین می‌کنند. همچنین در مدل بسط یافته پیشنهادی نیز مدیریت ریسک، از طریق رویکرد چند بعدی انعطاف‌پذیر در سه سطح خرد، میانی و کلان، با در نظر گرفتن پارامترهای همچون فناوری، محیط زیست، اقتصاد و جامعه، از منظر مفهومی تبیین گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک، تاب‌آوری، فراترکیب

۱- مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود در فضای پرتلاطم کسب و کار امروزی که هر رویدادی با فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری مواجه است، مدیریت ریسک سازمانهاست که می‌تواند نقش بسیار پررنگی در پیشبرد اهداف سازمان و خلق ارزش برای آن شود (اوسازک و لیدزیانوسکی^۱، ۲۰۲۰).

از طرفی امروزه، سازمان‌ها، در قالب سناریوهای پیچیده اجتماعی-اقتصادی، فعالیت‌های خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که در آن اجرای استراتژی‌های نظارت بر ریسک، بسیار ضروری است. بررسی‌های محققان نشانگر آن است که بین فعالیتهای کسب و کار و ریسک همواره یک ارتباط ذاتی وجود دارد (دی اسمیت^۲ و بوتزن^۳، ۲۰۱۸). با این حال و با وجود اهمیت ارتباط ذکر شده، به ریسک در داخل شرکت برای مدت‌های مدیدی، به عنوان عامل حاشیه‌ای در انجام کسب و کار نگریسته شده و از اینرو و بر اساس چنین تفکری، آثار ناشی از بروز بحران بر روی کل سازمان به صورت جزئی و خرد دیده شده است (تیورای و سورشا^۴، ۲۰۲۱).

این در حالی است که در حوزه جامعه‌شناسی کنونی، دیدگاهی با رویکرد متفاوت از ریسک ایجاد شده که در آن هر ذی‌نفع مرتبط با سازمان، درک متفاوتی از ریسک دارد (فاررا و همکاران^۵، ۲۰۰۱) و بر اساس آن، رویکرد جامعی از دیدگاههای متفاوت در این حوزه پدید آمده است. منطق این رویکرد بر این مفهوم استوار است که یک ساختار اجتماعی از ریسک وجود دارد (ساکای^۶، ۲۰۱۹) و گروه‌های اجتماعی مختلف، مفاهیم متنوعی از مقبولیت موقعیت‌های ریسک را ارائه داده و به کمک آن مفاهیم این حوزه را توسعه می‌دهند. در این رویکرد، مفهوم ریسک همواره در کنار مفهوم تاب‌آوری مطرح شده و اشاره به میزان توان مقابله و ایستادگی شرکتها در زمان بروز بحرانها و وقوع ریسک دارد (بولوم^۷، ۲۰۱۵).

در دهه‌های اخیر با پیچیده شدن محیط کسب و کار و وقوع بحران‌هایی همچون بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و پاندمی اخیر کرونا، سازمانها با خسارت‌های بسیاری مواجه شدند و همین امر سازمانها را بر این وا داشت که در مسیر بحران و مدیریت آن، نوع نگاه خود به بحران و پیامدهای آن را تغییر دهند. در این میان سازمانها دریافته‌اند که از طریق تغییر انگاره‌های مدیریت بحران، می‌توان آثار منفی نگرش به بحران را به سمت و سوی کاهش آسیب‌پذیری و سپس افزایش تاب‌آوری سوق داد. چنین تغییر رویکردی در یک سازمان تاب‌آور در هنگام مواجه شدن با بحران‌ها، باعث شده نه تنها در هم نشکنند، بلکه به سرعت از آن شرایط خارج شده و روند ارتقاء و پیشرفت را نیز طی خواهد نمود.

یافته‌های اوفوآ و همکاران^۸ (۲۰۲۱)، نشان می‌دهد سازمانها، شرکتها و افراد در وضعیت ریسک و بروز بحران، نیازمند اقداماتی هستند که توان ایستادگی شرکت را بالا برده و منجر به بقا و تداوم دستیابی به اهداف شرکت گردد. همچنین شو و اولنی^۹ (۲۰۲۰)، دریافته‌اند اگر افراد و شرکتها در مواجهه با بحرانها، دارای روحیه انعطاف‌پذیر

¹ Osuszek and Ledzianowski

² De Smidt

³ Botzen

⁴ Tiwari and Suresha

و تاب آور باشند، ضمن افزایش امکان بازسازی سیستم ها، مدیریت ریسک و بحران مطلوب تر داشته و قدرت برگشت به شرایط پایدار نیز بالاتر می رود.

بررسی های پژوهشگران حاکی از آن است که با وجود ضرورت به پرداختن به الگوهای مدیریت ریسک چند بعدی و تبیین ارتباط بین استراتژی های مدیریت ریسک با رویکرد تاب آوری، تا کنون کمتر به این حوزه مفهومی پرداخته شده و شکاف نظری برجسته ای بین این دو حوزه موضوعی به چشم می خورد (لوتانس، ۲۰۱۶؛ هارتمن و همکاران، ۲۰۲۰)؛ این در حالی است که برای تحقق مدیریت ریسک جهانی که در برگیرنده مدیریت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، پرداختن به مفاهیم ریسک از ابعاد گوناگون و خروج از مفاهیم تک بعدی ریسک و تغییر رویکرد نظری به سوی مفاهیم ریسک چند بعدی، در کنار پرداختن به واژه تاب آوری که مسیر مدیریت ریسک را هموارتر می نماید، منجر به طراحی و ارائه الگوهای نوین مدیریت ریسک می گردد که در عین داشتن ساختاری کلان، کاربردی و دانش محور هستند و زمینه سوق افکار علمی و مدیریتی به سوی تفکرات استراتژیک نوین در راستای خلق ارزش را فراهم می نماید.

از سوی دیگر مرور سیستماتیک ادبیات پژوهشی این حوزه دانشی حکایت از آن دارد که طبقه بندی های دیگری از ریسک نیز ممکن است وجود داشته باشد که هنوز به دلایلی، پژوهشگران چندان بر روی آنها متمرکز نشده اند. از اینرو دستیابی به یک مدل جامع از مدیریت ریسک، نیازمند تفسیر و نگاه جدیدی به این حوزه دانشی است که در آن هم ترکیب عناصر جدید و هم تعامل بین این عناصر را به خوبی در نظر بگیرد و تبیین نماید. از اینرو این پژوهش درصدد است تا ضمن تبیین مفاهیم تاب آوری و شاخص های آن در سازمان، همچنین مدیریت ریسک و تفاوت آن با مفهوم عدم قطعیت، به تشریح چگونگی ارتباط نظری تاب آوری با مدیریت ریسک بپردازد.

همچنین برای اولین بار در ایران، الگوی مفهومی مدیریت ریسک با رویکرد تاب آوری را ارائه نماید.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مفهوم تاب آوری^۱ و شاخص های آن

تاب آوری، کیفیت روان شناختی است که به برخی افراد اجازه می دهد در برابر ناملایمات زندگی زمین بخورند و حداقل به همان قدرت قبلی بازگردند. در حقیقت، تاب آوری توانایی کنار آمدن با شکست ها و بازیابی پس از آن است و افرادی که در مواجهه با فاجعه، توانایی بازگشت به زندگی را دارند، تاب آوری بالایی دارند. محققان دریافته اند افراد دارای تاب آوری روانی می توانند از مهارت ها و نقاط قوت خود برای پاسخ به چالش های زندگی شامل مرگ عزیزان، طلاق، مسائل مالی، بیماری، از دست دادن شغل و بلایای طبیعی استفاده کنند (تامه و موران، ۲۰۱۲). از جمله ویژگی های افراد تاب آور این است که به جای ناامیدی یا پنهان شدن در مقابل مسائل با استفاده از راهبردهای

¹ Resilience

مقابله‌ای ناسالم، با مشکلات زندگی روبرو می‌شوند و از مهارت‌های مقابله‌ای سالم برای مقابله با چنین مشکلاتی استفاده می‌کنند تا قدرت و رشد را تقویت کنند و اغلب قوی‌تر از قبل ظاهر می‌شوند.

در حوزه سازمانی، هورن و اوور^۱ (۱۹۹۸)، تاب‌آوری را ظرفیتی اساسی در سازمان برای پاسخ دهی موثر و فعالانه به تحولات و بحران‌های پیش رو معرفی نموده‌اند. به اعتقاد بهمر و برنارد (۲۰۱۹)، تاب‌آوری سازمانی، توانایی مقابله با اختلالات غیرمنتظره در فعالیت‌های کاری است. سازمان‌های بین‌المللی نیز این مفهوم را به صورت توانایی سازمان برای انطباق با وضعیت‌های پیچیده و متغیر در شرایط عدم اطمینان تعریف کرده‌اند.

در پژوهشی وارگو و سویل (۲۰۱۱) دریافتند که تاب‌آوری سیستم در برخی از شاخص‌ها، بر تاب‌آوری شاخص‌های دیگر تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر تاب‌آوری می‌تواند برای سازمان مزیت رقابتی را به ارمغان بیاورد (سیول، ۲۰۱۱).

از دیدگاه سامرز (۲۰۰۹)، تاب‌آوری سازمانی می‌تواند فعال یا انفعالی باشد. تاب‌آوری انفعالی که بعد از وقوع حوادث، نشان داده می‌شود، نشانگر آن است که چطور یک سازمان به سرعت بدون تحمل خسارت، آسیب یا از هم گسستگی به حالت اولیه خود باز می‌گردد. تاب‌آوری فعال نیز بیانگر تلاش آگاهانه و انجام اقدامات فعال نظیر شناسایی خطرات بالقوه و توسعه سیستم‌های هشدار دهنده خطر برای بهتر شدن توانایی مقابله با سختی‌های آینده است (ساوالها، ۲۰۱۵).

سازمان تاب‌آور از طریق انطباق شرایط با تغییرات می‌تواند وضعیت خود را بهبود دهد و به بازسازی موارد خسارت دیده بپردازد. بنابراین، تاب‌آوری سازمانی هدفی مستمر است که به کارکرد سازمان‌ها در شرایط عادی و بحرانی کمک می‌کند و سازمان‌ها را در مدیریت چالش‌های مخرب توانمند می‌سازد و مانع از آن می‌شود که مشکلات کوچک به یک بحران یا خرابی تمام عیار تبدیل شوند (بوین و همکاران، ۲۰۱۳).

به اعتقاد گوناسکاران و همکاران (۲۰۱۲)، تاب‌آوری به شرکت‌های کوچکتر اجازه می‌دهد که شوک‌های خارجی را بهتر جذب و به آنها پاسخ دهند. از دیدگاه آودیکوس (۲۰۱۴)، تنوع‌پذیری صنعت، محصول، و بازار استراتژی‌های ایمنی در پاسخ به شوک‌های رکود اقتصادی هستند. برعکس، شرکت‌هایی که در طیفی از صنایع مختلف فعالیت می‌کنند تکیه‌گاه‌های استراتژیکی دارند، که باعث می‌شود آنها در طی دوره‌های آشفته انعطاف‌پذیری بالاتری دارند (ماجوسکی ۲۰۱۴).

ویلیامز و وورلی، (۲۰۱۴) نیز دریافتند سازمان‌های تاب‌آور قادر به نگهداری تنظیمات مثبت تحت شرایط چالش برانگیز می‌باشند و پویایی‌های ساختاری و رویه‌ای، باعث می‌شود سازمان ظرفیت لازم برای مقابله با شوک‌های خارجی را داشته باشد. یافته‌های پژوهش تنگبلاد (۲۰۱۷)، نشان داد سازمان تاب‌آور، تغییر محور است و توانایی تغییرات رادیکال و بنیادی و تمایل به چالش کشیدن وضع موجود را برای بقای شرکت دارد.

تا کنون پژوهشگران، شاخص‌های گوناگونی را برای تاب‌آوری سازمانی^۲ معرفی کرده‌اند که از آنها می‌توان برای ارزیابی و اندازه‌گیری تاب‌آوری استفاده کرد. از دیدگاه کوهن و همکاران، (۲۰۱۹)، شاخص‌های تاب‌آوری سازمانی،

^۱ Home & Orr

^۲ Resilience indicators

پیش‌بینی، مقاومت و انطباق است. تالون و همکاران (۲۰۱۹) نیز چهار ویژگی مشارکت‌کننده در ایجاد تاب‌آوری را تنوع، کارایی، انطباق‌پذیری و انسجام و پیوستگی معرفی می‌کنند. عناصر تاب‌آوری از دیدگاه پوندار و راتری (۲۰۱۸) نیز آمادگی، واکنش و انطباق و بازیابی یا تعدیل. پاسخ و بازیابی است. اشرفی (۲۰۱۹) نیز تعهد سازمانی، آموزش، کار تیمی در شرایط دشوار، شفافیت و اشتراک اطلاعات همچنین بازخورد دو طرفه را عوامل موثر در ساخت تاب‌آوری سازمانی می‌دانند.

۲-۲- مفهوم ریسک^۱ و ماتریس آن

در دنیای پرتلاطم و آشفته امروزی، هر سازمان متناسب با ماهیت کار خود، ریسک‌های گوناگونی را تجربه می‌کند و در چنین شرایطی، اساساً موفقیت هر بنگاه به تسلط آن و نوع مدیریتی که بر انواع ریسک اعمال می‌کند، بستگی دارد (کونته و همکاران، ۲۰۲۰)؛ اما آنچه مبرهن است توجه به این موضوع می‌باشد که مدیریت ریسک، شاید هرگز به اندازه اکنون، مهم نبوده است چرا که خطراتی که سازمان‌های مدرن با آن روبرو هستند، پیچیده‌تر و با سرعت سریع جهانی‌شدن تقویت شده‌اند. در نتیجه کسب‌وکارها نیز به سرعت در برابر تهدیدات ناشی از بحرانها، دچار تغییراتی گردیده‌اند (قه‌دریجانی و همکاران، ۱۳۹۷).

درخصوص مفهوم ریسک، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از دیدگاه آکادمیک، طرح یک تعریف مشخص و یکسان از ریسک، امکان‌پذیر نبوده است (کرووینی ۲۰۱۹). از نظر هانسون (۱۹۸۹) ریسک، مفهومی یک بعدی است که به ارزش احتمال عددی اشاره دارد. بررسی پیشینه ریسک، دو طبقه‌بندی از خود واژه که برگرفته از دو جهت گیری کلی است را نشان می‌دهد. از یک سو، رویکردهای پوزیتیویستی، در راستای علوم طبیعی هستند که با داده‌ها و حقایق قابل‌سنجش کار می‌کنند (دائل^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، رویکردهای تفسیری (اورگان و استپلتن ۲۰۱۶) می‌باشند که بر جنبه‌های کیفی بیشتر این مفهوم تمرکز می‌کنند. بر این اساس مفهوم ریسک، تعریف یکپارچه و مشترکی ندارد و از نقطه‌نظر روش‌شناختی، هم رویکردهای کمی و هم رویکردهای کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از منظر جامعه‌شناسی، نیز نمی‌توان ریسک را به عنوان یک مسئله صرفاً فنی که مشکلات اجتماعی را در بر می‌گیرد، در نظر گرفت، بلکه در قالب یک ساختار اجتماعی در کنار عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ریسک نگریسته می‌شود (فاررا و همکاران ۲۰۰۱). از دیدگاه اولریک بک (۲۰۱۲) نیز ریسک، ذاتاً به یک تصمیم فردی یا اجتماعی مرتبط است و منشا آن عوامل داخلی و فردی است و ارزیابی عقلانی، ادراکی، احساسی و ذهنی نیز برای سنجش ریسک باید در نظر گرفته شود.

بررسیها نشان می‌دهد دو نوع طبقه‌بندی در زمینه پاسخ به ریسک‌ها وجود دارد. پاسخ پیشگیرانه که نسبت به پاسخ‌های واکنشی اولویت دارد و معمولاً احتمال وقوع ریسک را هدف قرار می‌دهد (پیتاکو^۳، ۲۰۲۰). در مقابل،

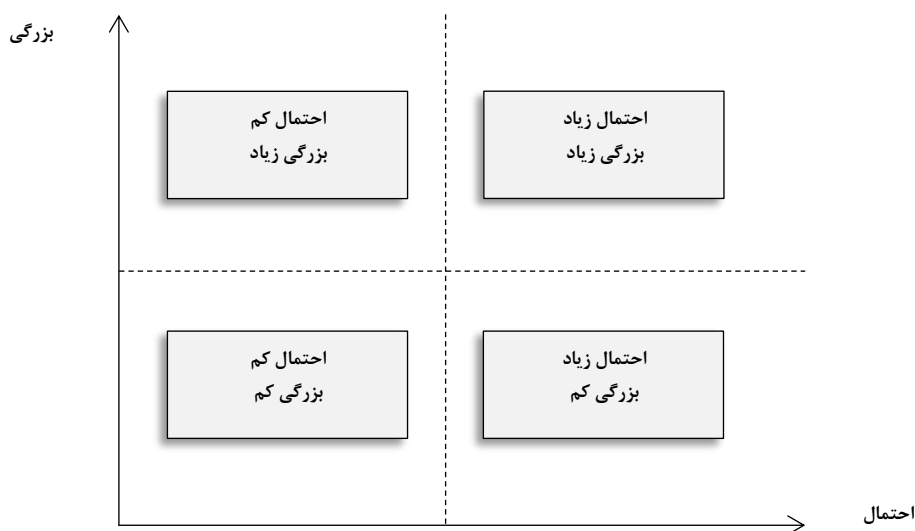
¹ Risk

² Donnell

³ Pitacco

پاسخ واکنشی که به آن پاسخ شفافبخش، درمانی، محدودکننده و احتیاطی نیز گفته می‌شود و به دنبال کاهش اثر وقوع ریسک است (عسگرنژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

هیلسون (۱۹۹۲) نیز دو سطح جهت دسته بندی اقدامات پاسخگویی به ریسک مطرح نموده است. سطح اول دسته بندی عمومی پاسخگویی به تهدیدها است که بیانگر استراتژی پاسخ می‌باشد و سطح دوم شامل لیست کردن مجموعه ای از اقدامات خاص تحت هر استراتژی می‌باشد. دسته بندی دیدگاه اول با رویکرد تهدیدها شامل چهار مورد اجتناب، کاهش، انتقال و پذیرش ریسک است و نقطه مقابل این رویکرد، فرصت‌ها است که شامل استراتژی‌های بهره‌گیری، شراکت (تسهیم)، ارتقا (تشدید) و پذیرش (چشم‌پوشی) می‌باشد. در سطح دوم نیز برای انتخاب راهبرد مناسب پاسخ به ریسک، چارچوب کلی تدوین شده است (هایمس^۱، ۲۰۰۱).



شکل ۱. ماتریس ریسک (هایکین، ۲۰۱۴)

مهم‌ترین ابزار مدیریت ریسک، استفاده از ماتریس ریسک برای نشان دادن احتمال و بزرگی ریسک، است که در شکل ۱ ارائه شده و برای به نمایش گذاشتن ریسک‌های فردی بکار می‌رود. همچنین از این ابزار که به آن نقشه‌ی حرارت نیز گفته می‌شود، جهت ارزیابی قابلیت ریسک سازمان بر اساس ظرفیت و یا اشتباهی ریسک‌پذیری آن، استفاده می‌شود (جدیدک و باک، ۲۰۲۰).

¹ Haimes

۳-۲- از مدیریت ریسک تا عدم قطعیت از منظر مفهومی

در برخی از پژوهش‌های مربوط به حوزه ریسک، واژه عدم قطعیت در کنار واژه ریسک و در برخی موارد معادل هم بکار رفته اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد دو واژه ریسک و عدم قطعیت از نظر مفهومی، متفاوتند. عدم قطعیت عبارت از عدم دانش و شناخت کافی از آینده است؛ در حالی که مفهوم ریسک، دلالت بر عدم قطعیتی دارد که ممکن است باعث بروز ضررهای مالی و فنی گردد (شو و اولنی ۲۰۲۰)؛ بنابراین ریسک، عبارت از بروز رویدادی ناشناخته است که در مجموعه شناخته شده‌ای از رویدادها ممکن حاصل می‌شود. در صورتی که در عدم قطعیت، رویدادها با احتمالات ذهنی و درجات باور عوامل اقتصادی در ارتباطند و با احتمالات عینی قابل طبقه بندی نیستند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). در حقیقت عدم قطعیت، از فقدان دانش در مورد ماهیت رویدادها و نیز احتمال وقوع هر یک از آن‌ها ناشی می‌شود. از این رو عدم قطعیت رویدادی ناشناخته است که از میان مجموعه ناشناخته‌ای از رویدادها رخ می‌دهد. بر این اساس می‌توان چنین ادعا نمود که عدم قطعیت، ساختاری ناشناخته و مرتبط با ساختارهای در حال تغییر اقتصاد است (اوفوآ و همکاران ۲۰۲۱).

بر این اساس، برای تفکیک دو مفهوم ریسک و عدم قطعیت، به دلیل نوع ماهیت هر کدام، همواره مناقشه وجود دارد و مدیریت ریسک در تلاش برای پایان دادن به تمایزات مفهومی این دو واژه است (هاللیکاس و همکاران، ۲۰۲۰). بعلاوه مدیریت ریسک همواره درصدد انتظام بخشیدن به حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ژئوپلیتیک نه تنها در سطح سازمانها بلکه در سراسر جهان است؛ چرا که رویدادهای غیر منتظره و اضطرابی، همواره در مسیر سازمانها و محیط عملیاتی کسب و کارها رخ داده و با طولانی شدن بحرانها، کل سناریوی نوشته شده شرکتها در این راستا دستخوش تغییرات بسیاری خواهد شد (گونزالز^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). به طور مثال، همان طور که در شکل ۲ نشان داده می‌شود، عدم قطعیت و اثرات منفی کوتاه و بلندمدت آن و یا تاب آوری و آثار کوتاه و بلندمدت بر روی سرمایه گذاران از موضوعات جالبی است که در ریسک‌های زنجیره تامین مطرح می‌شود و با توجه به اینکه عدم قطعیت سرمایه گذاران در فضای کسب و کار امروزین در حال رشد می‌باشد، لذا ضروری است بر روی چالش‌های جدیدی که شبکه‌های زنجیره تامین با آن مواجه میشوند، نظارت دقیق صورت پذیرد (کارساز و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، با توجه به اهمیت سیستم‌های مطالعاتی و زیرساخت‌های ارتباطی آنها برای مدیریت، ریسک سایبری می‌تواند اثرات سایر ریسک‌ها، مانند ریسک‌های مربوط به زنجیره تامین بر روی سرمایه گذاری را توسعه بخشد و زمینه افزایش جنبه‌ها و ابعاد گوناگون نظیر پایداری، محیط زیست، فناوری و ... را به مدل ریسک فراهم نماید تا ضمن شناسایی معیارهای گوناگون و نقش آفرین در مدل، زمینه درک بهتری از روابط بین ریسک‌های مختلف را ایجاد کند.

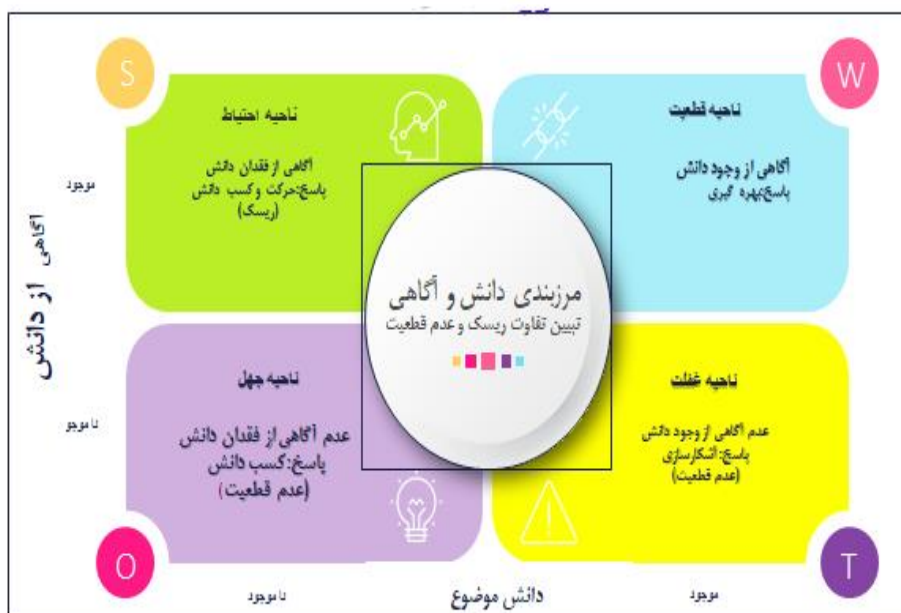
علاوه بر این، هر کدام از این ریسک‌ها، اگر چه شناخته شده اند، اما هنوز هم، به دلیل تحولات جهانی در ابعاد گوناگون از جمله فناوری، زمینه برای ایجاد یک مدل جامعتر از مدیریت ریسک برای شرکتها، موجود است. همچنین توسعه ابعاد مدل‌های موجود، راهنمایی برای کنترل رفتار سازمانی در مدیریت ریسک خواهد بود و می

¹ Santibanez gonzalez

تواند مسیر جدیدی را جهت شناسایی و بهبود فعالیت های کاهنده انواع ریسک ها ارائه دهد (دلرمان و همکاران، ۲۰۱۷).

۴-۲- مدیریت ریسک استراتژیک^۱

مدیریت ریسک استراتژیک، یک جنبه حیاتی، اما اغلب نادیده گرفته شده از مدیریت ریسک سازمانی (ERM)^۲ است، که با وجود اهمیت بالاتر آن، مدیریت ریسک سازمانها به طور سنتی، بر ریسک مالی و عملیاتی متمرکز شده است.



شکل ۲. عدم قطعیت و تاب آوری در خصوص ریسک

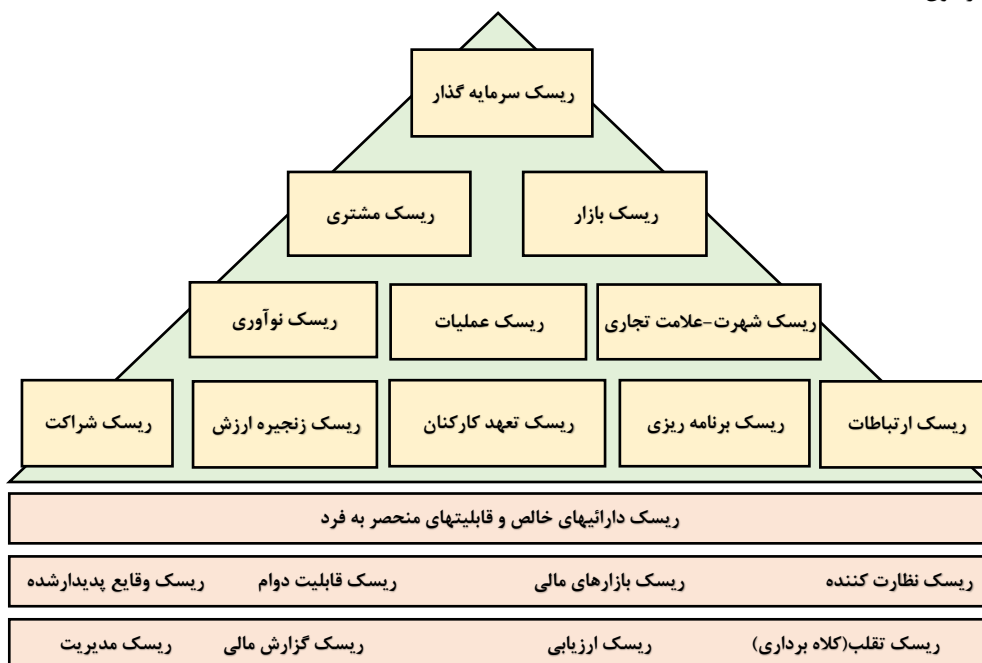
ریسک های استراتژیک، ریسک هایی هستند که بیشترین تاثیر را بر روی تصمیم استراتژیک سازمان دارند و یا در اثر آن تصمیمات ایجاد شده اند. بنابراین نسبت به دیگر گونه های ریسک (رویکرد سنتی تحلیل ریسک شامل ریسک های عملیات و مالی)، بسیار عمیق و گسترده تر بر عملکرد فعلی و آتی سازمان تاثیر می گذارند. به عنوان مثال خروج شرکت از یک بازار بالغ و ورود به بازار نوظهور ریسکی استراتژیک است که می تواند جنبه های مختلفی

¹ Strategic Risk Management

² Enterprise Risk Management

از سازمان را تحت تاثیر قرار دهد(عطار و همکاران، ۱۴۰۱). مدیریت اثربخش ریسک های استراتژیک، بسیار فراتر از آنکه از شکست شرکت ها در دستیابی به اهداف استراتژیکشان جلوگیری کند، فرصت های آتی منفعت زای محیطی را که ناشی از عدم قطعیت ها و دگرگونی های بازار^۱ است را برایشان آشکار می نماید. مدیریت ریسک سازمانی، قابلیت های رقابتی بنگاه را افزایش داده و محرکی برای خلاقیت و نوآوری سازمانی است. اینها همه دلایلی است که استقبال مدیران شرکت های موفق از جاری سازی فرایند مدیریت ریسک استراتژیک را به همراه داشته است. بنابراین، مفهوم مدیریت ریسک سازمانی، تنها بر شناخت دلایل شکست یک استراتژی مشخص، خلاصه نمی شود؛ بلکه روشی برای تضمین اثربخشی سازمانی است (روزبهبانی و همکاران، ۱۴۰۱).

همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده، چارچوب مدیریت استراتژیک، راهی است برای ارزیابی ریسکهای استراتژیکی که شرکت با آن روبرو است و شامل ریسک مشتری و بازار، ریسک عملیاتی، ریسک نوآوری، ریسک تحقیق و توسعه، ریسک همکاری، ریسک زنجیره تامین، ریسک تعامل کارکنان، ریسک نام تجاری و ریسک شهرت می باشد. این چارچوب راهی برای درک روابط علت و معلولی سناریوها در هنگام وقوع ریسکهای بحرانی و آشکار ساختن نحوه اثرگذاری این سناریوها در استراتژی کسب و کار، منافع، درآمدها و ارزش سهامداران است(فریگو و اندرسون، ۲۰۰۹).



شکل ۳- چارچوب مدیریت ریسک استراتژیک (فریگو و اندرسون، ۲۰۰۹)

¹ Volatility

۵-۲- انواع ریسک‌های موجود

بررسی‌ها نشانگر آن است که در دنیای پرتلاطم امروزمین، شرکت‌ها در معرض ریسک‌های گوناگونی قرار دارند که می‌تواند تاثیرات گوناگونی بر عملیات آن‌ها همچون تعداد مشتریان، جایگاه شرکت در بازارها و در نهایت در ماندگاری مالی به همراه داشته باشد. لذا شناخت انواع ریسک‌هایی که شرکتها با آنها مواجه خواهند شد، زمینه ساز طراحی الگوی مدیریت ریسک بهینه‌ای می‌گردد که تا حد امکان و از طریق بکارگیری مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، روش‌ها و منابع هماهنگ می‌تواند با کاهش ریسک و عدم قطعیت موجود، فضای یکپارچه و ایمنی را در شرکتها و حوزه کسب و کار ایجاد نماید (اندرسون ۲۰۱۳). در ادامه برخی از مهمترین ریسک‌های موجود در فضای کسب و کار معرفی شده است.

← ریسک‌های نوظهور

پیشرفت‌های تکنولوژیک از یک‌سو و تغییرات آب‌وهوایی از سوی دیگر، هر دم بر پیچیدگی فضای کسب و کار می‌افزایند و ریسک‌های نوظهوری را پیش پای آن می‌گذارند که قبلاً وجود نداشته و ناشی از فرآیندها، تکنولوژی‌ها یا تغییرات اجتماعی و سازمانی جدید، هستند. ریسک‌های در حال ظهور، که به دلیل عدم وجود داده‌های تاریخی برای توصیف آنها، از عدم قطعیت بیشتری برخوردارند (کانتون و همکاران، ۲۰۱۹)، از جدیدترین تغییرات سیاسی-اجتماعی، تکنولوژیکی یا نظارتی ناشی می‌شوند که می‌توانند در زندگی شرکت‌ها، ناپیوستگی ایجاد کنند. از آنجا که این ریسک‌ها تاکنون به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، پتانسیل بالایی برای بررسی و معرفی ماهیت و کارکرد آنها در فضای کسب و کار وجود دارد.

← ریسک‌های محیطی^۱

با گسترش صنایع مختلف، باوجود ایجاد رفاه برای انسان، خطرها و ریسک‌های نهفته جدیدی نیز برای وی به وجود آمده که هم برای انسان و هم برای محیط زیست پیامدها و آثار سوئی را به همراه و جزء ریسک‌های محیطی طبقه بندی می‌شود. ریسک محیطی نشانگر هزینه‌های شرکتها در زمینه‌هایی همچون سرمایه‌گذاری، فناوری، تغییر فرآیند تولید و نوسازی خطوط است که در نهایت می‌تواند منجر به خلق ارزش برای شرکت گردد. ریسک‌های زیست محیطی نیز در حوزه ریسک‌های محیطی دسته بندی می‌شوند که بیانگر تهدیدهای بالقوه زیست محیطی همچنین ترکیبی از احتمال وقوع یک پدیده نامطلوب و شدت اثرات بالقوه‌ای است که آن پدیده بر سلامت مردم، محیط زیست و شهرت و اعتبار منطقه، ممکن است برجای گذارد (هوانگ^۲ و لی، ۲۰۱۸).

← ریسک‌های کسب‌وکار داخلی

ریسک‌های کسب‌وکار داخلی، مجموعه‌ای از ریسک‌های مختلفی است که در طول عملیات عادی شرکت به وجود می‌آیند، بنابراین می‌توان آن‌ها را با مقداری قابلیت اطمینان، توسط مدیریت پیش‌بینی کرد و آثار آن‌ها را کاهش داد. در حقیقت بروز ریسک‌های داخلی، به عوامل مختلفی همچون مدیریت خود شرکت، سطوح کلی، کارکردها و

¹ Environmental Risk

² Huang

بخش های آن بستگی دارند (کیرادو ۲۰۱۹). ریسک های عملیاتی^۱، ریسک های مالی داخلی، ریسک بازاریابی، ریسک های شغلی، ریسک های استراتژیک و ریسک شهرت^۲ از جمله انواع ریسک های کسب و کار داخلی، می باشند (آراز و همکاران، ۲۰۲۰). ریسک های عملیاتی که عموماً ناشی از اشتباهات انسانی، اتفاقات و خطای تکنیکی است و منجر به ریسک های اعتباری و بازار می شود. ریسک های مالی داخلی نیز مجموعه ای از ریسک های مختلف کسب و کارها نظیر ریسک نقدشوندگی و ریسک اعتباری^۳ است که معمولاً ناشی از مدیریت ضعیف سازمان است و منجر به نقص فرآیندهای عملیاتی و عدم توانایی رشد می شود.

درخصوص ریسک بازاریابی نیز از آنجا که بازاریابی فرآیند مدیریتی است که به دنبال پاسخگویی به نیازهای مشتریان و کسب سود و مطلوبیت برای آنهاست، از اینرو با مجموعه ای از ریسک ها که در خرید و فروش موارد و محصول نهایی رخ میدهد، روبرو می گردد. ریسک شغلی نیز از جمله ریسک هایی است که در مراحل مختلف زندگی حرفه ای بروز پیدا می کند و می تواند باعث بروز حوادث و در نتیجه آسیب و یا مشکلات سلامتی، فیزیکی و روانی شود. این ریسک به طور مستقیم با ایمنی محل کار در ارتباط است.

ریسک های استراتژیک، ریسک هایی هستند که یک سازمان متحمل می شود و به طور بالقوه می تواند منجر به زیان بزرگی شود. سازمانی که فرآیندهای تولیدی برتر و بی بدیلی دارد، اگر مشتریان، دیگر محصولات شان را نخواهند، باز هم شکست خواهند خورد. بنابر این، در این نوع ریسک، حفظ و رشد سودآوری باید با نوآوری مستمر فرآیندها، محصولات و مدل کسب و کار به منظور جذب مشتریان جدید و حفظ نرخ نگهداری بالا پشتیبانی شود (انوری ۲۰۱۳).

ریسک های شهرت نیز به معنای اثر مطلوب یا نامطلوب یک رویداد در شهرت سازمان ها است و خسارت های ناشی از این نوع ریسک اکثراً دارای شدت بالایی هستند، زیرا شهرت، یکی از بزرگترین دارایی نامشهود برای هر کسب و کاری محسوب می گردد. شهرت شرکت، که به عنوان مجموعه ای از روابط پیچیده بین شرکت ها و سهامداران شناخته می شود، در مسئولیت اجتماعی شرکت، نمود یافته است، این ریسک را می توان به عنوان یک ریسک شهرت نوظهور و نه تنها داخلی برای شرکت در نظر گرفت. همچنین از آنجا که ریسک شهرتی، به طور پیچیده ای با عوامل دیگر ریسک مرتبط است، می توان آن را یک ریسک سطح دوم در نظر گرفت (کورنچو و همکاران، ۲۰۱۹).

← ریسک های کسب و کار خارجی

ریسک های کسب و کار خارجی، نتیجه فعالیت های عمومی و رقابتی شرکت است و به راحتی توسط مدیریت قابل کنترل نیستند. با این حال، این ریسک ها نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم عملیات کسب و کار را تحت تاثیر قرار می دهند، ریسک هایی نظیر ریسک های مالی خارجی، ریسک های اقتصادی. ریسک های مربوط به پذیرش ریسک های تکنولوژیکی و ریسک های جغرافیایی از جمله ریسک های کسب و کار خارجی می باشد.

¹ Operational risk

² Reputational Risk

³ Credit Risk

ریسک‌های مالی خارجی که ناشی از رقابت، بازار و تغییر نیازهای مشتری است، شامل ریسک بازار و ریسک اعتبار تجاری، میشود. که در آن ریسک بازار به معنای تغییر شرایط در بازار، مثل رفتار مصرف‌کننده و وجود رقبا است و صاحبان مشاغل باید از نزدیک این نوع ریسک را تحت نظر داشته باشند؛ چرا که به تغییرات غیر منتظره ارزش یا پورتفوی ابزارهای مالی در شرایط بازار اشاره دارد که بر ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های یک شرکت تاثیر می‌گذارد (نور و عبدا ۲۰۱۴). ریسک‌های اقتصادی نیز یکی از انواع ریسک‌هایی است که اقتصاد هر کشوری را تهدید می‌کند. چرا که اقتصاد به طور مداوم در حال تغییر است و در چرخه‌های اقتصادی، چه در رکود اقتصادی و چه در توسعه، حرکت می‌کند و می‌تواند بر امور مالی، در دسترس بودن سرمایه و موانع دسترسی به رقابت تاثیر بگذارد (آتاناسوف و نیتشکا ۲۰۱۷).

علاوه بر ریسک‌های فوق، موسسات تولیدی، با استفاده از تکنولوژی‌های جدید، کارآمد و ارزان‌تر، می‌توانند محصولات با کیفیت بالا را با قیمت مناسب‌تر تهیه کنند که این فرآیند با ریسکی به عنوان ریسک تکنولوژیکی، همراه خواهد بود. تکنولوژی‌های جدید معمولاً رقابت را با کاهش هزینه‌ها افزایش می‌دهند، اما اگر نوآوری‌های جدید به سرعت از یکدیگر پیروی کنند، سرمایه‌گذاری قابل توجهی را ممکن است بطلبد و عدم تامین به موقع آن سرمایه، باعث شود که تکنولوژی‌های نوین، منسوخ شوند (بیرکل و همکاران ۲۰۱۹).

ریسک‌های جغرافیایی نیز که از شرایط سیاسی کشوری که شرکت در آن کار می‌کند، ناشی می‌شوند، شامل دو نوع دولتی و قانونی هستند. ریسک دولتی شامل تمام ریسک‌هایی است که نتیجه اقدامات اجرا شده توسط موسسات محلی، برای تغییر در دولت یا تغییر در سیاست‌های تجاری انجام شده است (جان و لوتن ۲۰۱۸). ریسک قانونی نیز اقدامات خارج از قانون مانند شورش، جنگ داخلی یا اقدامات تروریستی یا خرابکاری را شامل می‌شود (وب ۲۰۱۲).

◀ ریسک زنجیره تامین^۱

ریسک زنجیره تامین، مخاطراتی است که ممکن است در ساختارها، فعالیت‌های انسانی، اطلاعات و عملیات تولید محصول یا ارائه خدمت رخ دهد. زنجیره تامین برای بسیاری از شرکت‌ها، به عنوان نتیجه توسعه روزافزون روابط با تامین‌کنندگان، تبدیل به یک منبع ریسک فوق العاده شده است. در هر صورت، زنجیره تامین، شبکه‌ای است که شامل تمام اپراتورها، سازمان‌ها، منابع، فعالیت‌ها و فن‌آوری‌های درگیر در ایجاد و فروش یک محصول است (تریپاتی و گوپتا ۲۰۱۹) و قدرت آن، مربوط به قدرت ضعیف‌ترین حلقه آن است، بنابراین لازم است نقاط شکست بالقوه با برنامه‌های اقدام و پیش‌گیری شناسایی شوند (بویلکوا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

در ریسک زنجیره تامین دو عامل ریسک اثر شلاق چرمی و عدم قطعیت وجود دارد (مانگله و همکاران ۲۰۱۴). اثر شلاق چرمی، که به عنوان اثر فورستر نیز شناخته می‌شود (نایم و همکاران ۲۰۱۷)، علت اصلی ناکارآمدی در زنجیره تامین است و شامل افزایش غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل توجیه در تقاضا در بالادست زنجیره تامین است. این ریسک به این دلیل تولید می‌شود که بازیگران مختلف زنجیره تامین، به جای تکیه بر مشتری

¹ Supply chain risk

² BevilCOa

نهایی، از اطلاعات ایجاد شده توسط تامین کنندگان به عنوان شاخص سطح تقاضا استفاده می‌کنند (ما و همکاران ۲۰۱۹). عدم قطعیت، نیز نتیجه شکاف زمانی طبیعی بین عرضه و تقاضا است که با جهانی شدن زنجیره‌های تامین و همچنین کوتاه شدن چرخه عمر محصول مورد توجه قرار می‌گیرد (هینز و همکاران ۲۰۱۷).

◀ ریسک‌های سایبری

تحول دیجیتال، با وجود تمام مزایایی که برای جوامع امروزی به ارمغان می‌آورد (رویترز و همکاران ۲۰۱۸)، امنیت سیستم‌ها و حریم خصوصی اطلاعات را با ریسک مواجه می‌نماید (الانی و آلوغنی ۲۰۱۹). لذا شرکت‌ها باید ریسک‌های سایبری را تجزیه و تحلیل کرده و اقداماتی را برای جلوگیری یا کاهش اثرات منفی آن‌ها انجام دهند (لئوزی و همکاران ۲۰۱۸). از اینرو، مدیریت ریسک سایبری به دنبال حصول اطمینان از یکپارچگی، محرمانه بودن و در دسترس بودن کل داده‌های فن‌آوری اطلاعات یک سازمان است و در چنین فضایی، امنیت سایبری به عنوان یک نیاز ضروری برای اطمینان از عملکرد مناسب تمام فرآیندهای کسب‌وکار در نظر گرفته می‌شود (الینگ^۱، ۲۰۲۰). به همین دلیل، امنیت سایبری به یک مساله میان رشته‌ای تبدیل شده و تمام کارکردهای متمایز سازمان‌ها را در بر می‌گیرد (بهاراتی^۲، ۲۰۱۷). علاوه بر ریسک‌های فوق، ریسک‌هایی همچون ریسک‌های اورژانسی سلامت جهانی نیز وجود دارند که با پدید آمدن بحران‌هایی نظیر شیوع ویروس کرونا، اهمیت پرداختن به آنها از سوی جوامع، چندین برابر شده است.

۶-۲. تدوین چارچوب ارزیابی ریسک مبتنی بر علم تفسیری

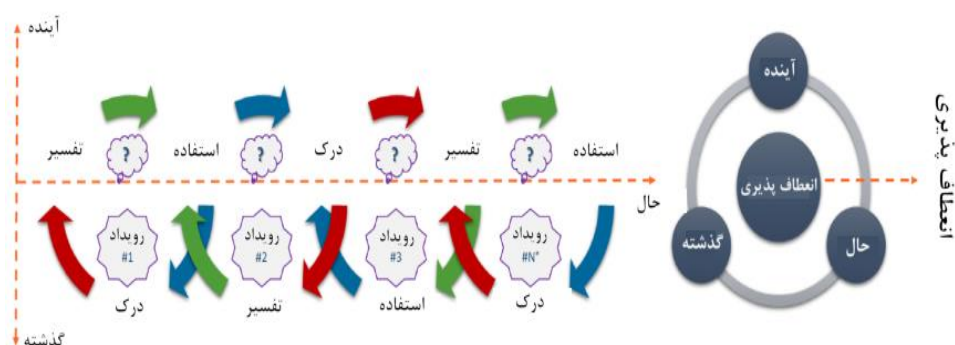
در سال‌های اخیر، در راستای اهداف مدیریت، پژوهشگران تلاش‌های بسیاری برای تعیین کمیت ریسک، به عنوان پیامد عملیاتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی که ممکن است در یک مکان و زمان مشخص رخ دهد، نموده‌اند. با این حال، با توجه به رویکرد سنتی حاکم، ریسک به صورت یکپارچه تجزیه و تحلیل نشده، بلکه به صورت تکه‌ای، مورد ارزیابی قرار گرفته است (سومرو و لای ۲۰۱۷). فقدان دیدگاه جامع که اجازه دهد ریسک به اجزای مختلف خود تجزیه شود (لاکوویچ و همکاران ۲۰۱۸)، مانع و چالشی بود که خود را در وقوع ریسک‌های عمده جهانی مانند وضعیت اضطراری پاندمی کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ به خوبی نشان داده‌است. از اینرو در راستای رفع معضل موجود، گرایشها به سمت خلق یک دیدگاه جامع که تمام ابعاد عوامل ریسک را مورد توجه قرار دهد و به شیوه‌ای سازمان‌یافته‌تر، روابط غیر خطی پارامترهای محیط و پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی را در نظر بگیرد، راهکار مطلوبی است که می‌تواند ضمن حل چالش موجود، فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمان‌ها را تسهیل نماید و جهت دهد. اخیراً یافته‌های پژوهشگران، نشان می‌دهد که مفهوم ریسک همیشه یک بعدی و عینی نیست و یک نوع ریسک می‌تواند معانی مختلفی برای افراد مختلف یا در زمینه‌های مختلف داشته باشد. به عنوان مثال، ریسکی که متخصصان علمی به صورت عینی به عنوان محصول طبیعت می‌بینند، ممکن است سایر افراد آن را رابطه با تصمیمات انسانی بدانند. بنابراین در ارزیابی ریسک، نمی‌توان فقط بر قضاوت تجربی تکیه نمود، بلکه باید مفاهیم

¹ Eling

² Bharathi

اجتماعی - فرهنگی که بر برخی از جنبه‌های ریسک تاثیر دارند را نیز مورد توجه قرار داد. به همین دلیل، هر رویکرد معرفت‌شناختی به ریسک نمی‌تواند منحصرًا مبتنی بر ارزیابی ذهنی فردی باشد، بلکه لازم است مکانیسم‌های ادراک موجود در تعامل اجتماعی خود افراد، نیز در نظر گرفته شود (اوفوآ و همکاران ۲۰۲۱). بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که مدیریت ریسک تنها به یک رویداد یا شرایط خاص، محدود نمی‌شود؛ بلکه فرآیندی پویا است که در طول زمان توسعه می‌یابد و در ابعاد مختلف عملیات سازمان نفوذ می‌کند. بر این اساس، مدیریت ریسک همه افراد در همه سطوح را دربر گرفته و لازم است به کل سازمان به عنوان مجموعه‌ای از انواع ریسک نگریسته شود.

در شکل ۴، چرخه علم هرمرینتا و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که چگونه با درک تجارب گذشته، می‌توان حال را تفسیر و چشم‌انداز آینده را تصور نمود. به کمک این چرخه، تحلیل مدیریت ریسک چنین می‌شود که شرکت، برای هر دسته از ریسک‌های مربوط به یک رویداد داخلی یا خارجی، از تجربه قبلی خود برای تفسیر زمان حال و طراحی یک استراتژی مقابله و / یا تعدیل برای آینده استفاده می‌کند. به این ترتیب، سازمان باید قادر به اصلاح رفتار خود قبل، در طول و بعد از تغییری باشد که آن را در معرض ریسک قرار می‌دهد.



شکل ۴. رویکرد هرمنوتیک نسبت به ارزیابی ریسک، اقتباس از هرمرینتا^۱ و همکاران (۲۰۱۶)

۲-۷. پیشینه پژوهش

باگرت و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی ریسک‌های موجود در شبکه‌های تامین منابع مالی با رویکرد پایداری و از طریق ترکیب مدل سازی مبتنی بر شبکه‌های عامل و بی‌زی، پرداختند. به اعتقاد آنها هنگامی که اختلالات جدی در شبکه‌های تامین منابع مالی رخ می‌دهد، وابستگی‌های متقابل پیچیده بین اجزای موجود در سیستم، می‌تواند منجر به اثرات غیرقابل پیش‌بینی شود که در کل شبکه تامین مالی منتشر می‌شود و موجودیت موسسه و مشتریان را به خطر می‌اندازد. بنابراین باید با طراحی و ارائه الگوهای ریسک از منظر پایداری، بتوان ابتدا انتشار ریسک در شبکه تامین مالی را تا حد امکان، به صورت دقیق، تعیین و روابط متقابل پیچیده سناریوهای مختلف ریسک در شبکه را نشان داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که به کمک شبکه‌های بی‌زی می‌توان

الگوی انتشار ریسک دقیق در شبکه تامین مالی را کمی‌سازی و مبنای برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای استراتژی‌های کاهش ریسک در سازمانها ارائه نمود.

گلیبئر و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی ضمن بررسی مدیریت ریسک از منظر پایداری مالی، ارتباط آن را با بازده بازار سرمایه را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد پایداری مالی به عنوان یک پارامتر کنترلی کلیدی، مکمل ارزش سهامداران در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند توسط سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز به عنوان شرط ثانویه تصمیمات سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود. همچنین بر اساس یافته‌ها مشخص شد پایداری مالی، ریسک تامین مالی مجدد و ورشکستگی را کاهش می‌دهد و منجر به بازده اضافی تعدیل‌شده با ریسک در بازار سرمایه با کارایی ضعیف که مواجه با محدودیت‌های تامین مالی و هزینه‌های ورشکستگی است، می‌شود.

ستمبر و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی ضمن بررسی عوامل انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری در تصمیم‌گیری شرکت، درصدد ارائه یک سیستم مدیریت ریسک مبتنی بر پایداری در زمان تردید پرداختند. هدف این مطالعه توسعه یک چارچوب تفسیری جدید برای تجزیه و تحلیل استراتژی‌های مدیریت ریسک در سازمانها است که در علم تفسیر اقتصادی به عنوان یک ابزار روش‌شناختی نوآورانه برای بهبود دانش ریسک و طراحی مناسب‌ترین استراتژی‌های مدیریتی شناخته شده است. یافته‌های آنان نشان داد که در زمان عدم قطعیت، مدیریت ریسک نقش کلیدی در سازمانها بازی می‌کند به آن‌ها اجازه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری می‌دهد ضمن اینکه مانع از عملکرد سریع و نادرست شرکت‌ها می‌شود. همچنین آنها دریافتند که آشفتگی‌های جهانی مانند پاندمی کووید ۱۹ نیز تاثیر زیادی بر روی شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی داشته و باعث یک تغییر الگو شده و ایجاد چرخه جدیدی از توسعه که از نظر زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی پایدار است را الزامی ساخته است. تغییر الگوی رخ داده در زمینه محیطی و اجتماعی - اقتصادی از منظر عدم قطعیت، سازمانها را مجبور می‌کند تا عوامل ریسک موثر بر تداوم کسب‌وکار خود و همچنین چگونگی ارتباط این عوامل با مسائل پایداری را با دقت بیشتری در نظر بگیرند. میربزرگی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی به تبیین الگوی مناسب قدرت ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران بورس بر اساس سرمایه اجتماعی با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و مدلسازی معادلات ساختاری پرداختند. به اعتقاد آنها سرمایه اجتماعی مفهومی است که هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داده، امکان همکاری و فعالیت‌های دارای منافع متقابل را افزایش می‌دهد و از شدت مشکلاتی که شکست بازار را به همراه دارد، می‌کاهد. جامعه مورد پژوهش شامل خبرگان و سرمایه‌گذاران بوده که برای شناسایی شاخص‌ها از پرسشنامه ۲۸ سوالی استفاده شد که پس از تأیید روایی و پایایی جهت جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هفت بعد از زیر عامل‌های سرمایه اجتماعی مشتمل بر "اعتماد؛ شبکه‌ها، همکاری، روابط، فهم متقابل، تعهد و ارزش‌ها" بر ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران تاثیر مثبت و معنادار دارد؛ لذا میتوان نتیجه گرفت بین سرمایه اجتماعی و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران رابطه قوی وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش، عوامل "اعتماد"، "شبکه‌ها"، "همکاری"، "روابط"، "فهم متقابل"، "تعهد" و "ارزش‌ها" نیز می‌توانند به عنوان شاخصهای اولیه برای تدوین الگویی مناسب قدرت ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران بورس بر اساس سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شوند.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای، از لحاظ ماهیت و سبک تحلیل داده‌ها جزء پژوهش‌های کیفی و از منظر روش انجام پژوهش تحلیلی-توصیفی است و داده‌های پژوهش با استفاده از روش کیفی فراترکیب جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. در میان مطالعات کیفی، روش فراترکیب، کیفی و رویکردی منسجم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها است. این فرایند محققان را قادر می‌سازد یک پرسش تحقیق مشخص را شناسایی کرده و سپس به دنبال یافتن، انتخاب، ارزیابی، خلاصه کردن و ترکیب شواهد کیفی برای بررسی پرسش تحقیق باشند. در این پژوهش، از میان الگوهای پیاده‌سازی روش فراترکیب، الگوی هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) بکار گرفته شده است که در پژوهش‌های فراترکیب بیشترین استفاده را دارد و شامل مراحل (۱) تنظیم سوال‌های پژوهش، (۲) بررسی نظام‌مند اصول پژوهشی، (۳) جستجو و انتخاب مقالات، (۴) استخراج اطلاعات مقالات، (۵) تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی، (۶) کنترل کیفیت کدهای استخراجی و (۷) ارائه یافته‌ها است.

(۱) تنظیم سؤال پژوهش

بعد از اینکه هدف اولیه پژوهش فراترکیب مشخص گردید، لازم است شاخص‌های موضوع سؤال پژوهش که شامل (چه چیزی، چه کسی، چه زمانی و چگونه است) مشخص شود. هدف این کار مشخص نمودن معیارهای ورود به پژوهش و تعیین مقالاتی است که باید از مطالعه کنار گذاشته شود، است (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). در این مقاله سؤال پژوهش عبارت است از چارچوب مدیریت ریسک مبتنی بر رویکرد تاب‌آوری چیست؟ منظور از چه کسی نیز جامعه مورد مطالعه است که در این پژوهش مجلات داخلی و خارج از کشور مورد نظر است. بازه زمانی پژوهش در پاسخ به سؤال چه زمانی نیز، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ مورد نظر است. منظور از چگونه نیز، بررسی روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش است که از طریق سند پژوهی مقاله‌ها بر اساس تحلیل مضامین انجام شده است.

(۲) جست‌وجوی منابع

فرایند جست‌وجوی منابع، شامل پارامترهایی نظیر موضوع مورد مطالعه، اعضای نمونه، زمان و روش می‌باشد. همچنین علاوه بر پارامترها، انواع روش‌های جست‌وجو (دستی، الکترونیک) و عبارت‌های مورد جست‌وجو نیز باید مشخص شوند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷). در این مرحله، پژوهشگر کلمات کلیدی مورد نظر خود، برای جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی را انتخاب و پس از آن جست‌وجوی نظام‌مند را بر روی مقالات منتشرشده در پایگاه‌های علمی مختلف متمرکز نمود. در این پژوهش، چهار پایگاه داده به زبان انگلیسی شامل اسکوپوس^۱

^۱ Scopus, Wiley Online, Taylor & Francis

ساینس^۱، اشپرینگر^۲ و وایلی^۳ و دو پایگاه داده به زبان فارسی شامل پایگاه نشریات کشور^۴ و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۵ انتخاب شدند. در این پایگاه های علمی، مقالات مرتبط با حوزه پژوهش از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۲۱ بررسی شد. در ابتدا، واژگان کلیدی ریسک، مدیریت ریسک، سرمایه گذاری، سرمایه گذاران جست و جو شد. سپس جست و جوی فرعی ادامه پیدا کرد و مدل مدیریت ریسک، مدل سرمایه گذاری، تاب آوری، عدم قطعیت و طراحی الگوی مفهومی مدیریت ریسک از دیدگاه سرمایه گذاران با تاکید بر تاب آوری نیز جست و جو شدند. پس از چندین مرحله غربالگری، تعداد ۲۰۹ مقاله که از نظر محتوا، ارتباط بیشتری با معیارهای پژوهش داشتند، انتخاب گردید.

۳) ارزیابی کیفیت

بعد از جست و جو و انتخاب منابع موردنظر، فرایند پژوهش با ارزیابی هر گزارش به صورت مجزا و سپس با ارزیابی مقایسه ای بین گزارش ها ادامه می یابد. ارزیابی تک به تک گزارشها، با خواندن چندین باره هر گزارش تا آشنایی کامل با محتوا، نقاط قوت و ضعف روش شناسی و شناسایی یافته های هدف انجام می شود (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). در این پژوهش، ارزیابی مقالات توسط اعضای فراترکیب آغاز شد. تعداد مقالات یافت شده ۲۰۹ مقاله بود که در این مرحله، هر مقاله توسط دو نفر بررسی و مقاله هایی که شامل این ویژگیها بودند، از فراترکیب حذف شدند: (۱) مقالاتی که با سؤالات پژوهش مرتبط نبودند. در این مرحله، ۴۸ مقاله به دلیل عدم ارتباط با سؤال پژوهش کنار گذاشته شدند. (۲) مقالاتی که با روش پژوهش کمی انجام شده بودند. در این مرحله ۴۳ مقاله کنار گذاشته شدند. (۳) مقالاتی که نتایج آنها به ویژگیهای عدم قطعیت، تاب آوری و یا ریسک سرمایه گذاری نپرداختند، که در این مرحله ۳۹ مقاله حذف گردید و تعداد ۷۹ مقاله باقی ماندند. سپس، کیفیت محتوای مقاله های باقیمانده از طریق برنامه مهارت های ارزیابی نقادانه (Casp)^۶ بررسی شد. این برنامه، ابزاری ده سؤالی است که مکانیزم استناداری را برای ارزیابی کیفیت مطالعات کیفی مشمول فراترکیب فراهم میکند تا مفهوم پژوهش کیفی درک و دقت، روایی و اهمیت مطالعات کیفی پژوهش مشخص شود. این سؤالات به بررسی اهداف پژوهش، منطق روش، طرح پژوهش، روش نمونه گیری، جمع آوری داده ها، انعکاس پذیری که دربرگیرنده رابطه بین پژوهشگر و شرکت کنندگان است، همچنین ملاحظات اخلاقی، دقت تجزیه و تحلیل داده ها، بیان واضح و روشن یافته ها و ارزش پژوهش می پردازد (جلالی، ۱۳۹۴). هنگام استفاده از این ابزار، مقالات مطالعه میشود و برای هر مقاله به لحاظ داشتن ویژگی های بالا امتیازی بین یک تا پنج اختصاص می یابد. بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی، پژوهشگر، سیستم امتیازبندی (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) مطرح کرده و مقالات را بر اساس درجه کیفی آ

¹ Science Direct

² Springer

³ Springer Wiley

⁴ Magiran

⁵ Sid

⁶ Critical Appraisals Skills Programme)

نها دسته بندی می کند (کندری و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش، تعداد ۲۱ مقاله به دلیل کسب امتیاز متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف حذف شدند و در نهایت تعداد ۵۸ مقاله در فرایند ارزیابی پذیرفته شدند که از این تعداد، ۳۵ مقاله امتیاز خوب و ۲۳ مقاله امتیاز خیلی خوب را کسب کردند.

۴) تجزیه و تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر، ابتدا، اطلاعات اولیه از مقالات مشخص گردید و بعد از شناسایی و استخراج داده های اولیه، تمام عوامل استخراج شده، به عنوان کد (مضامین پایه) در نظر گرفته شد. سپس، هر یک از این کدها، در یک مفهوم همانند، دسته بندی و مفاهیم (مضامین سازمان دهنده) پژوهش ایجاد شد. جدول ۱ کدهای استخراج شده مدیریت ریسک سرمایه گذاری با رویکرد تاب آوری را نشان می دهد.

۵) ترکیب یافته ها

در این مرحله، یافته ها استخراج و مفاهیم مرتبط با مدیریت ریسک سرمایه گذاری با رویکرد تاب آوری دسته بندی شد. سپس، ضمن مطابقت با سایر مفاهیم، پوشه های جدیدی از مفاهیم به وجود آمد و در سه مقوله سطوح خرد، میانی و کلان مدیریت ریسک قرار گرفت. شکل ۵ مدل مفهومی مدیریت ریسک سرمایه گذاری با رویکرد تاب آوری را نشان می دهد. همچنین شکل بسط یافته مدل با در نظر گرفتن عامل تاب آوری در گذر زمان در شکل ۶ ارائه شده است.

۶) اعتباریابی^۱ داده ها

اعتبارسنجی این پژوهش بر اساس دیدگاه سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، از طریق چهار نوع اعتباریابی مورد استفاده در پژوهش های فراترکیب انجام شده است. در اعتباریابی توصیفی^۲ که به صحت واقعی داده ها اشاره دارد، کلیه گزارشهای تحقیقاتی مربوطه شناسایی و به صورت دقیق به توصیف اطلاعات از هر مقاله مورد مطالعه پرداخته شده است. در اعتباریابی تفسیری^۳ با برگزاری چندین جلسه، توضیحات مربوط به بررسی اعضا، استماع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در اعتباریابی نظری^۴ که به اعتبار تفسیرهای محققان اشاره دارد، داده های اولیه در مطالعات تحقیق کیفی شامل یافته های گزارشهای مطالعات در پژوهشها مطرح و توسط متخصصان حوزه فراترکیب بررسی گردید.

در اعتباریابی عملی^۵ که به معنای کاربردی بودن ابزار و قابلیت انتقال دانش است، تمامی یافته ها دسته بندی و مستند گردید.

¹ Validity
² Descriptive
³ Interpretive
⁴ Theoretica
⁵ Pragmatic

۴. یافته‌های علمی پژوهش

در نتیجه تجزیه و تحلیل ۵۸ مقاله منتخب، متغیرهای مفهومی و گزاره‌هایی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند، به شرح جدول ۱ استخراج و کد گذاری گردیده اند.

کد P1 که در بعد ریسک با رویکرد پارادایم می باشد، تاکید می‌کند از آنجا که می توان ابعاد و حوزه دانشی مدیریت ریسک را هم از بعد کمی با رویکرد اثبات گرایی و هم از بعد کیفی با رویکرد تفسیری تصور نمود؛ لذا مشخص می گردد یک اجماع صریح در مورد تعریف روشن و مورد توافق ریسک همچنین پارادایم روش شناختی که باید در زمینه مدیریت ریسک اتخاذ شود؛ وجود ندارد.

بعد اجتماعی ریسک در کد P2 بر هم‌زیستی ادراکات منطقی و عینی با ادراکات احساسی و ذهنی، همچنین هم‌زیستی ابعاد فردی با جمعی ریسک تاکید دارد. در حقیقت تعریف ریسک از دو منظر معرفت‌شناختی پوزیتیویستی و تفسیری تبیین شده است.

کد P3 ریسک‌های کسب‌وکار را به عنوان رویدادهای پیش‌بینی نشده مثبت و منفی تعریف می‌کند که بر عملیات کسب‌وکار تاثیر می‌گذارند. ریسک‌های کسب و کار می‌توانند ناشی از عوامل داخلی شرکت و قابل کنترل توسط مدیریت (کد P4)، یا عوامل ناشی از محیط رقابتی باشند و بنابراین به طور مستقیم توسط شرکت قابل کنترل نیستند (کد P5).

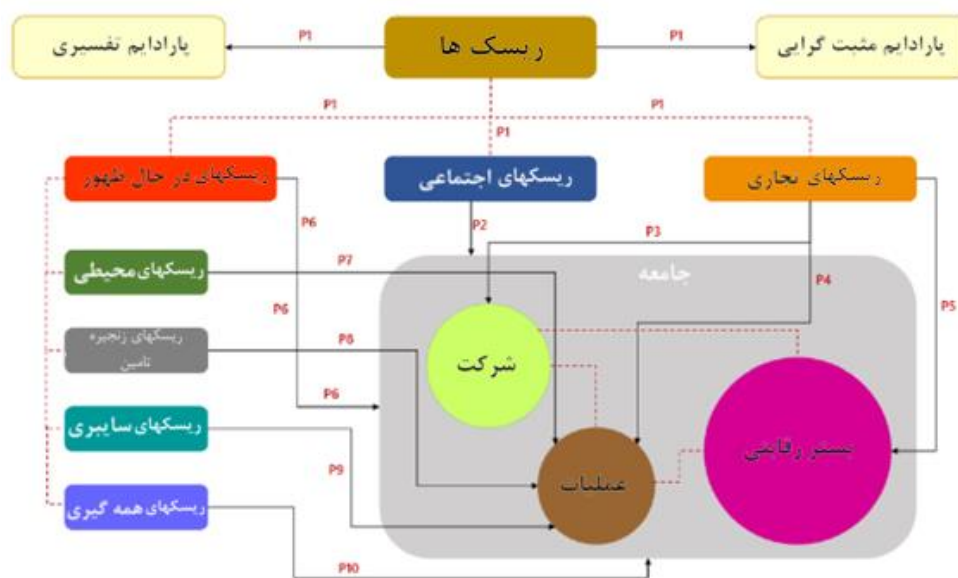
جدول ۱. کدهای استخراجی مدل مفهومی

کد	ابعاد در بر گیرنده	محوریت	گزاره ها
P1	ریسک	پارادایم	مفهوم ریسک تعریف واحد و مشترکی ندارد و همچنین از دیدگاه روش شناختی از دو رویکرد کمی و کیفی استفاده می شود.
P2	اجتماعی	ریسک اجتماعی	رویکرد جامعه شناختی به ریسک، هم ارزیابی عقلانی عینی و هم ادراک عاطفی و ذهنی را در نظر می گیرد و همبستگی مثبت یا منفی بین ریسک و مزایای فعالیت فردی یا جمعی را برجسته می کند.
P3	شرکت	ریسک تجاری	ریسک تجاری مجموعه ای از اثرات منفی احتمالی و همچنین اثرات مثبت بالقوه است که در یک شرکت به دلیل یک رویداد غیرمنتظره با ماهیت تکنولوژیکی، اقتصادی، مالی، دارایی یا شهرت رخ می دهد.
P4	عملیات	ریسک تجاری	ریسک‌های تجاری داخلی در طول عملیات عادی شرکت به وجود می‌آیند، بنابراین می‌توان آن‌ها را با کمی اطمینان توسط مدیریت پیش‌بینی کرد و اثرات آن را کاهش داد.
P5	زمینه رقابتی	ریسک تجاری	ریسک‌های تجاری خارجی در نتیجه شرایط رقابتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند و روش‌هایی که شرکت مجبور است با این شرایط سازگار شود، به وجود می‌آید. بنابراین مدیریت نمی‌تواند به راحتی آنها را کنترل کند

کد	ابعاد در بر گیرنده	محوریت	گزاره‌ها
P6	ریسک در حال ظهور	اجتماع	ریسک‌های نوظهور تحت شرایط جدید یا ناشناخته ای رخ می دهند که به اندازه کافی بررسی و کمیت نشده اند، اما پتانسیل بالایی برای تأثیر دارند.
P7	ریسک زیست محیطی	عملیات	ریسک زیست محیطی به پیامدهای آسیب زیست محیطی ناشی از فعالیت های آن برای رقابت پذیری شرکت مربوط می شود. این اثرات می تواند هم منفی (افزایش هزینه) و هم مثبت (افزایش کارایی) باشد.
P8	ریسک زنجیره تامین	عملیات	ریسک زنجیره تامین، بخش مهمی از اداره یک کسب و کار است زیرا شامل فرآیندهای تدارکات و توزیع می شود که روی هم بر عملیات شرکت تاثیر می گذارند. کاهش خطر اختلال زنجیره تامین نیازمند یک رویکرد مشارکتی و پیشگیرانه با همه ذینفعان است.
P9	ریسک سایبری	عملیات	ریسک سایبری به عنوان هرگونه خطر زیان مالی یا آسیب به اعتبار یک سازمان که در نتیجه شکست سیستم های اطلاعاتی آن ایجاد می شود، تعریف می شود. بنابراین، این فقط یک خطر فناوری نیست، بلکه واقعاً یک خطر برای تجارت است
P10	ریسک های همه‌گیر(بهداشتی)	اجتماع	ریسک‌های همه‌گیر نشان دهنده رویدادهای بهداشتی شدید است که با سرعت زیاد باعث بروز سایر ریسک‌های عملیاتی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی می شود. چنین پیچیدگی مستلزم دیدی کل نگر از پیوستگی سیستم های طبیعی و انسان زایی و اثرات متقابل آنهاست.

کد P6، ریسک‌های در حال ظهور، به تهدیدهایی اشاره دارند که به طور بالقوه، قابلیت بررسی دارند و به تدریج به مسائل چالش برانگیز تبدیل می شوند. در حال حاضر، انواع جدیدی از ریسک‌های در حال ظهور وجود دارند که تا کنون تعدادی از آنها توصیف و تبیین شدند؛ همچنین، برخی از ریسک‌های در حال ظهور نیز هستند که با وجود اثرات بالقوه، هنوز هم تا حدی ناشناخته اند. ریسک محیطی یکی از مهم‌ترین ریسک‌های در حال ظهور است و همانطور که توسط کد P7 مشخص گردید، به آسیب (یا مزایا) به محیط‌زیست و منطقه محلی ناشی از فعالیت‌های کسب‌وکار نسبت داده می‌شود. علاوه بر این، رویدادهای پیش‌بینی نشده که ممکن است در فرآیندهای تدارکات و توزیع رخ دهند نیز می‌توانند موجب اختلال در زنجیره تامین شوند و پیامدهای جدی در این حوزه عملیاتی بر جای گذارند (کد P8). کد P9 نیز بر این موضوع تاکید می‌کند که ریسک سایبری، اگر چه به عنوان یک ریسک در حال ظهور مورد توجه است، اما دیگر نمی‌تواند به آن صرفاً به عنوان یک ریسک فنی نگریست، بلکه به دلیل آثار جدی که بر فعالیت‌های تجاری دارد، باید به عنوان ریسک مدیریتی به آن توجه گردد. در نهایت، ریسک‌های بهداشتی و پاندمی در کد P8، نقطه مقابل رویکرد سنتی مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری است و نشان‌دهنده یک عامل توانمند و تسهیل گر برای وقوع همزمان تمام ریسک‌های دیگر است.

مدل مفهومی شکل ۵ که واقعیت های مربوط به مدیریت ریسک سرمایه گذاری را در قالب مدلی ساده به صورت بصری ارائه داده است، تلاش دارد تا چارچوب استدلالی و نظری مدیریت ریسک را از منظر مفهومی برای مخاطبان تبیین نماید. در حقیقت در این مدل، متغیرهای مفهومی از طریق مفاهیم کدهایی که از پژوهش استخراج گردید، با یکدیگر ارتباط دارند. بر اساس یافته های پژوهش، مفهوم ریسک را می توان به کمک دو رویکرد شناختی مثبت گرای کمی و تفسیر کیفی (P1) تبیین و ساختارمند نمود. بر این اساس، از دیدگاه مدیریتی، دو رویکرد شناختی ذکر شده، زمینه ساز دو گروه مهم از ریسکهای سازمانی یعنی ریسک اجتماعی و ریسک تجاری (P1) هستند.

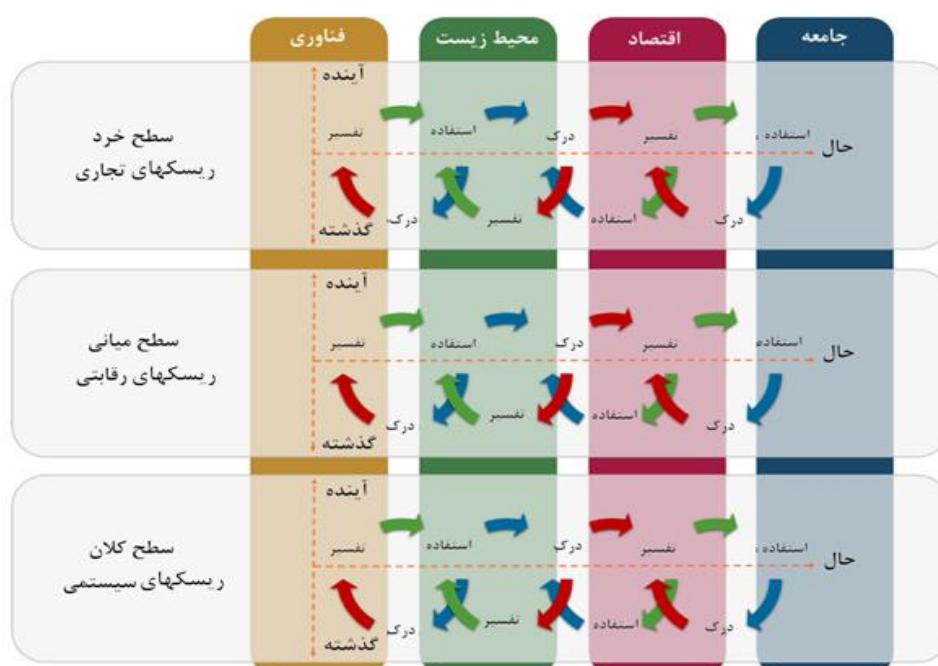


شکل ۵. مدل مفهومی بررسی توصیفی از مفهوم ریسک در مدیریت

ریسک اجتماعی مربوط به حوزه جامعه (P2) است، در حالی که ریسک کسب و کار مربوط به شرکت (P3)، فعالیتها و عملیات آن (P4)، و محیط رقابتی که در آن عمل می کند (P5) می باشد. البته حوزه شرکت نیز شامل شرکت و محیط عملیاتی آن است. علاوه بر این دو دسته ریسک اصلی، به اصطلاح ریسک در حال ظهور (P1) نیز وجود دارد که مربوط به مسائلی است که برای شرکتها جدید هستند و یا هنوز به اندازه سایر ریسکها شناخته شده نیستند. ریسکهای در حال ظهور نیز بر جامعه به عنوان یک کل (P6) و در نتیجه بر شرکتها تاثیر می گذارند. همچنین ریسکهای زیست محیطی از جمله مواردی هستند که در سطح شرکت (P7) بیشترین توجه را به سوی خود جلب می کنند، زیرا موضوع حفاظت از محیط زیست به طور فزاینده ای در دستور کار سیاسی و رسانه ای

دولتها و بالطبع شرکتها قرار گرفته و به عنوان پارامتری تاثیر گذار، حوزه‌ها و کنشگران مختلف از جمله معیارهای خرید مصرف‌کننده را نیز تغییر می‌دهد.

بررسی‌ها حکایت از این دارد که نگرانی در مورد ریسک زنجیره تامین، به طور قابل توجهی در حال افزایش است؛ زیرا درجه مزیت رقابتی کل زنجیره تامین و شرکت‌های منفرد، بر اساس میزان بهره‌وری فرآیند انتقال یک محصول از تولید کننده به مشتری، تعیین می‌گردد (P8). در واقع، وجود روابط و وابستگی‌های متقابل بین عوامل اقتصادی مختلف به این معنی است که عملکرد اعضای زنجیره، بالادست و پایین‌دست، هر شرکت می‌تواند به طور قابل توجهی بر کارایی کلی و اثربخشی تمام شرکت‌ها در زنجیره تاثیر بگذارد. علاوه بر ریسک‌های فوق، ریسک نوین مطرح برای شرکت‌ها، سایبرنتیک (P9) است که از فضای جهانی ناشی از اتصال تمام شبکه‌های ناهمگن و وابسته ساخته شده از سیستم‌های پردازش اطلاعات و زیرساخت‌های ارتباطی، نشأت می‌گیرد. این فضای مجازی که سازمان‌ها به آن وابسته هستند، دارای ضعف‌های فنی و ساختاری درونی است که در مسیر اهداف کلاهبردارانه باید به خوبی شناسایی و از کارکرد نامطلوب آنها جلوگیری نمود. در نهایت، بر اساس کد P10، ریسک سلامت به طور کلی و به طور خاص ریسک پاندمی، ریسک‌های در حال ظهور هستند که اگرچه تاثیر زیادی بر شرکت‌ها دارد اما از مدت‌ها پیش، به دلیل نوع رویکرد طبقه‌بندی سنتی و در نظر گرفتن این ریسک‌ها به عنوان ریسک‌های درجه دوم نسبت به سایر ریسک‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.



شکل ۶. رویکرد چند بعدی انعطاف پذیر و وفق پذیر برای ارزیابی ریسک

علاوه بر مدل مفهومی اولیه در شکل ۵، تلاش گردید تا با اقتباس از مدل هرمرینتا و همکاران (۲۰۱۶)، مدل پیشنهادی جدیدی نیز ارائه گردد که علاوه بر چند بعدی و انعطاف پذیر بودن برای ارزیابی ریسک، مبتنی بر رویکرد جامعی باشد که پدیده‌ها را به طور کامل مورد مطالعه و تفسیر قرار می‌دهد، حاصل این تلاش، مدل ارائه شده در شکل ۶ است که به جای تمرکز بر اجرای قوانین و اصول کلی، بر ویژگی‌های خاص هر ریسک تمرکز می‌کند. با توجه به چنین رویکردی که مبنای تهیه مدل پیشنهادی، متصور شده، روابط موجود در این مدل، خطی نیستند و از درون در معرض تغییرات پویا و مستمر می باشد که در بین ریسک‌ها رخ می دهد. همچنین در مدل پیشنهادی، امکان درک ارتباطات بین بخشها و نیز کل مجموعه وجود دارد. به گونه ای که از مشاهده کل فرآیند، روابط هر بخش، قابل درک است و بالعکس با مشاهده ارتباطات هر بخش، روابط کل مجموعه مشخص می گردد. علاوه بر این از دیگر ویژگی های مدل مذکور، توجه به عامل زمان در حوزه مدیریت ریسک با رویکرد تاب آوری است. به عنوان مثال مطالعه گذشته (مرحله درک) مربوط به ظرفیت پیش‌بینی است به این صورت که ریسک‌های قابل پیش‌بینی چه هستند؟ چگونه برای مقابله با آنها آماده شویم؟ سپس مرحله تفسیر زمان حال، از طریق نظارت بر عملیات جاری به دست می‌آید. بدین صورت که چگونه سیستم مدیریت ریسک کار می‌کند؟ و در نهایت، مرحله کاربرد که مسیر آینده است و باید به تعریف توانایی واکنش کمک کند. بدین شکل که آیا سازمان قادر است در زمان وقوع بحران واکنش‌های سریع ارائه دهد؟ بنابراین با گذر از این سه مرحله در مدل مذکور، شرکت می‌تواند ابتدا با افزایش انعطاف‌پذیری سازمانی و انطباق با شرایط استرس بالا و دوم با تحریک تاب آوری سازمانی، یعنی چابکی سریع برای مقابله با موقعیت‌های نامطلوب، عملکرد خود را بهبود بخشد.

از دیگر دستاوردهای مدل مفهومی فوق، مشخص شدن این نکته بود که رویکرد سنتی مدیریت ریسک تا کنون، به تبیین وابستگی و ارتباطات بین ریسک‌های مختلف در فضای کسب و کار نپرداخته است. از سوی دیگر، با توجه به توسعه مفاهیم مهم و نوینی همچون مسائل زیست‌محیطی، زنجیره تامین، سایبری و بهداشتی، در سطح جهان، زندگی و کارکرد سازمانها و شرکتها نیز دستخوش تحولات عظیم و مهمی گردیده است، که ضرورت گذر از رویکرد سنتی مدیریت ریسک به فضای دوگانه موجود در حوزه نوین تحولات ریسک، به شدت نمود پیدا کرده و برای حل چالش‌های این حوزه بایستی به سمت مدل‌های نوین با در نظر گرفتن ریسک‌های در حال ظهور حرکت نمود.

۵. نتیجه‌گیری

در دنیای اقتصادی پیچیده امروز، ریسک به عنوان کلید واژه اصلی مدیریتی و ابزار مهم تصمیم‌گیری مدیران، نقش اساسی در تحقق عملکرد و خلق ارزش در شرکتها دارد. از سوی دیگر، وجود ریسک‌های بالقوه و اجتناب‌ناپذیر در کنار ریسک‌های نوظهور، زمینه و شرایط خاصی را برای مدیریت ریسک در سازمانها فراهم نموده است. از سوی دیگر، بحران‌های جهانی و مداوم مانند پاندمی فعلی، برخی از کاستی‌های رویکرد مدیریت ریسک سنتی را آشکار کرده‌است. عدم هم‌گرایی با جهت‌گیری استراتژیک و رفتار با ریسک‌ها از دیدگاه فنی و مجزا، از جمله ناکارآمدی مدل‌های ارزیابی ریسک فعلی است که با تغییر رویکرد ریسک، باید اصلاح گردند.

از اینرو، شناسایی و معرفی مدل‌هایی که بتوانند چشم‌انداز مدیریت ریسک چند بعدی با رویکرد استراتژیک را جایگزین مدیریت ریسک سنتی با رویکرد فنی نمایند، ضرورتی جدی در فضای سرمایه‌گذاری سازمانها است. پژوهش حاضر، در راستای تحقق این هدف، تلاش نمود تا مدلی با رویکرد نوین جهت مدیریت ریسک ارائه دهد. برای این منظور به کمک تکنیک فراترکیب و الگوی هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، ۵۸ مقاله معتبر علمی از ۶ پایگاه معتبر داده‌ای ایرانی و خارجی، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در نهایت پس از استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، ۱۰ کد اصلی در سه سطح خرد، میانی و کلان به عنوان کدهای اصلی مدل پیشنهادی مشخص گردیدند. ابعاد شناسایی شده شامل کدهای ریسک، اجتماعی، شرکت، عملیات، زمینه رقابتی، ریسک در حال ظهور، ریسک زیست محیطی، ریسک زنجیره تامین، ریسک سایبری و ریسک‌های همه‌گیر (بهداشتی) می‌باشند که محورهای همچون پارادایم، ریسک اجتماعی، ریسک تجاری، اجتماع و عملیات را دربر می‌گیرند.

در هر دو مدل مفهومی پیشنهادی برگرفته از رویکرد فراترکیب، پژوهشگران تلاش نمودند با جستجوی عمیق و شناسایی وابستگی بین عوامل ریسک‌های مختلف و اثرات آن‌ها بر فعالیت‌های عملیاتی، مدل مدیریت ریسک را با در نظر گرفتن مدیریت کسب‌وکار، همچنین ریسک‌های رقابتی و سیستمی، در سه دیدگاه خرد، متوسط و کلان ترسیم نمایند.

از آنجا که در هر دو مدل مفهومی پیشنهادی، ریسک به صورت چند بعدی نگریسته شده، لذا امکان انعطاف‌پذیری و پویایی بیشتر مدیریت ریسک در سازمانها را فراهم می‌کند. علاوه بر این، طرح انواع ریسک‌های در حال ظهور، که پیش زمینه دانشی ضعیفی دارند، اما حاوی نشانه‌ها / باورهای عمیق در حوزه تاثیرگذاری در فضای کسب و کار هستند و ادغام این نوع ریسکها در کنار ریسک‌های کلاسیک، یک چارچوب نظری کامل و به روز فراهم می‌کند.

مسئله بررسی چنین پیوندی به ایجاد یک نقشه از آسیب‌پذیری‌ها، ارتباطات و ریسک‌های سازمان کمک می‌کند و باعث می‌شود مدیریت ارشد به دنبال توسعه تفکر استراتژیک جامع‌تری باشد که در شرایط عدم قطعیت، دارای قدرت تاب‌آوری بالاتر باشد. چنین رویکردی، قابلیت پیش‌بینی و سازگاری با شرایط بحرانی و غلبه بر رویدادهای نامساعد را به ارمغان می‌آورد.

بنابراین عملکرد مدیریت ریسک کامل، می‌تواند منبع ارزش افزوده در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان باشد و تاب‌آوری به عنوان یک ویژگی سازمانی مسیر تحقق اهداف بهینه و خلق ارزش افزوده در سازمان را هموارتر می‌نماید.

از سوی دیگر، امکان ادغام ویژگی‌های عملیاتی و استراتژیک ریسک نیز در سازمانها میسر شده و تاثیر ریسک از ابعاد گوناگون، بر روی مولفه‌های مختلف سنجیده می‌شود. چنین رویکردی، بینشی عمیق و گسترده در حوزه ادبیات نظری این حوزه موضوعی فراهم می‌نماید. ضمن اینکه امکان بررسی ارتباطات بین ریسک‌ها نیز نظارت مدیریت ریسک در سناریوهای مختلف را تسهیل و مبنای تصمیم‌گیری موثرتری برای پاسخ‌های پیشگیرانه فراهم

میکنند. همه این موارد باعث می گردد تا شیوه مدیریت ریسک بر اساس الگوی پیشنهادی به یک مزیت رقابتی ارزشمند تبدیل شود.

در نهایت، چارچوب مدیریت ریسک چند بعدی می تواند یک ابزار مفید برای اندازه گیری پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه سازمانی باشد و به افزایش سطح شفافیت و پاسخگویی مورد نیاز بازار و سهام داران کمک نماید. از آنجا که این تحقیق برای اولین بار در ایران، ارائه مدل مفهومی ریسک را به عنوان یک گام اولیه برای نظریه پردازی و غنای ادبیات دانشی دنبال می کند، دارای کاستی هایی است و مسلماً پژوهشهای آتی از منظر نوع شناسی و ابزارهای مرتبط با آن، غنی تر خواهد بود.

ضمن اینکه این مطالعه، تنها به صورت نظری روابط بین انواع ریسک و آثار بالقوه ای که ممکن است بر عملیات کسب و کار داشته باشند را بررسی کرده است از اینرو. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود برای دستیابی به یک مدل جامع از مدیریت ریسک، هم ترکیب عناصر جدید و هم تعامل این عناصر را بصورت همزمان مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهند تا از این طریق بتوان عدم قطعیت و آثار بلند مدت منفی ریسک ها را به خوبی سنجید.

همچنین در همین راستا و با توجه به اهمیت سیستم های اطلاعاتی و زیرساخت های ارتباطی برای مدیریت، پیشنهاد می شود مطالعه جامعی بر روی ریسک سایبری و ارتباطات آن با سایر ریسکها از منظر دانش انجام گردد.

فهرست منابع

- جعفری، سلیل، گرگز، منصور، سعیدی، پرویز، معطوفی، علیرضا. (۱۳۹۸). بررسی نقش عوامل روانشناختی و عملکردی بر تمایل به سرمایه گذاری در بازار سهام با نقش میانجی رضایت سرمایه گذار و ریسک ادراک شده سرمایه گذاران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، انتشار آنلاین
- روزبهنانی پری، علیرضا، رضانی، جواد. (۱۴۰۱). پیاده سازی مدیریت ریسک شرکتی و ریز مولفه های آن بر ریسک ورشکستگی شرکتها. دانش سرمایه گذاری، ۱۱(۴۳)، ۲۴۵-۲۶۳.
- عسگرنژاد نوری، باقر، امکانی، پریسا. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت اثربخش ریسک در عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: نقش واسطه ای سرمایه فکری و اهرم مالی. نشریه مدیریت دارایی و تامین مالی، ۵(۲)، ۹۳-۱۱۲.
- عطاراسدی، مریم، احدی سرکانی، سیدیوسف، امینی خوزانی، محسن. (۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل مدیریت سود و مدیریت ریسک متأثر از رفتارهای متقلبانانه (نقش عوامل تعدیل کننده). دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۵(۵۳)، ۹۷-۱۰۹.
- لبیب زاده، محمدحسین، رضوان، صالحی، اله کرم، هرمزی، فرشین. (۱۴۰۱). ارزیابی تاثیر سطوح مختلف افشای ریسک شرکت بر ادراک سرمایه گذاران: تحلیل اقلیدسی براساس متن کاوی. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۵(۵۴)، ۶۵-۸۶.

- میربزرگی، سید پوریا، همت فر، محمود، جنانی، محمد حسن. (۱۴۰۲). تبیین الگوی مناسب قدرت ریسک پذیری سرمایه‌گذاران بورس بر اساس سرمایه اجتماعی با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌سازی معادلات ساختاری. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۷)، ۲۱-۴۶.
- میری قهدریجانی، نازنین، اربابیان، علی اکبر. (۱۳۹۷). تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر گزارشگری ریسک، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۴۰(۱۰)، ۱۱۱-۱۳۶.
- Aven, T. (2016). Risk assessment and risk management: Review of recent advances on their foundation. *European Journal of Operational Research*, 253(1), 1-13.
- Biron, M., De Cieri, H., Fulmer, I., Lin, C. H. V., Mayrhofer, W., Nyfoudi, M., et al. (2020). Structuring for innovative responses to human resource challenges: A skunk works approach. *Human Resource Management Review*, 100768
- Bugert, N., Lasch, R. (2023). Analyzing upstream and downstream risk propagation in supply networks by combining Agent-based Modeling and Bayesian networks. *J Bus Econ*. <https://doi.org/10.1007/s11573-022-01128-2>
- Croasmun, J. T., & Ostrom, L. (2011). Using Likert-type scales in the social sciences. *Journal of Adult Education*, 40(1), 19-22.
- Dellermann, D., Fliaster, A., & Kolloch, M. (2017). Innovation risk in digital business models: The German energy sector. *Journal of Business Strategy*, 38(5), 35-43.
- De Smidt, G., & Botzen, W. (2018). Perceptions of corporate cyber risks and insurance decision-making. *The Geneva Papers on Risk and Insurance-Issues and Practice*, 43(2), 239-274.
- Dragomir, V. D. (2019). *Corporate environmental strategy: Theoretical, practical, and ethical aspects*. Berlin: Springer.
- Ferrari, A. M., Volpi, L., Pini, M., Siligardi, C., Garcí a-Muin a, F. E., & Settembre-Blundo, D. (2019). Building a sustainability benchmarking framework of ceramic tiles based on life cycle sustainability assessment (LCSA). *Resources*, 8(1), 11.
- Ferrari, A. M., Volpi, L., Settembre-Blundo, D., & Garcí a-Muin a, F. E. (2020). Dynamic life cycle assessment (LCA) integrating lifecycle inventory (LCI) and Enterprise resource planning (ERP) in an industry 4.0 environment. *Journal of Cleaner Production*, 286, 125314.
- Gleißner, W., Günther, T. & Walkshäusl, C. (2022). Financial sustainability: measurement and empirical evidence. *J Bus Econ*. 92, 467-516. <https://doi.org/10.1007/s11573-022-01081-0>
- Hartmann, S., Weiss, M., Newman, A., & Hoegl, M. (2020). Resilience in the Workplace: A Multilevel Review and Synthesis. *Applied Psychology*, 69(3), 913-959.
- Huang, J. W., & Li, Y. H. (2018). How resource alignment moderates the relationship between environmental innovation strategy and green innovation performance. *Journal of Business and Industrial Marketing*, 33(3), 316-324.
- Hurmerinta, L., Paavilainen-Ma'ntyma ki, E., & Hassett, M. E. (2016). Tempus fugit: A hermeneutic approach to the internationalisation process. *Management International Review*, 56(6), 805-825.
- Kéfi, S., Holmgren, M., & Scheffer, M. (2016). When can positive interactions cause alternative stable states in ecosystems? *Functional Ecology*, 30(1), 88-97.
- Medina-Salgado, M. S., Garcí a-Muin a, F. E., Cucchi, M., & Settembre-Blundo, D. (2021). Adaptive life cycle costing (LCC) modeling and applying to Italy ceramic tile manufacturing sector: Its implication of open innovation. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 7(1), 101.

- Mofijur, M., Fattah, I. R., Alam, M. A., Islam, A. S., Ong, H. C., Rahman, S. A., et al. (2020). Impact of COVID-19 on the social, economic, environmental and energy domains: Lessons learnt from a global pandemic. *Sustainable Production and Consumption*, 26, 343–359.
- Nabhani, F., Uhl, C., Kauf, F., & Shokri, A. (2018). Supply chain process optimisation via the management of variance. *Journal of Management Analytics*, 5(2), 136–153.
- Naghshineh, B., Lourenc o, F., Godina, R., Jacinto, C., & Carvalho, H. (2020). A social life cycle assessment framework for additivemanufacturing products. *Applied Sciences*, 10(13), 4459.
- Ruiz-Martin, C., López-Paredes, A., & Wainer, G. (2018). What we know and do not know about organizational resilience, *Int. J. Prod. Manag. Eng*, 6(1): pp. 11-28.
- Settembre-Blundo, D., & González-Sánchez, R., & Medina-Salgado, S., & García-Muiña, F., (2021) Flexibility and Resilience in Corporate Decision Making: A New Sustainability-Based Risk Management System in Uncertain Times, *Global Journal of Flexible Systems Management*, Springer; Global Institute of Flexible Systems Management, 22(2), 107-132.
- Solke, N. S., & Singh, T. P. (2018). Analysis of relationship between manufacturing flexibility and lean manufacturing using structuralequation modelling. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 19(2), 139–157.
- Sun, Y., Bi, K., & Yin, S. (2020). Measuring and integrating riskmanagement into green innovation practices for green manufacturing under the global value chain. *Sustainability*, 12(2), 545.
- Talebnia, G. & Dehkordi, B.B. (2012), 'Study of relation between effectiveness audit and management audit', *GSTF Business Review (GBR)*, Vol. 2, No. 1, pp. 92-97.

Providing a Conceptual Model of Risk Management with a Resilience Approach

Zahra Niyazi

Ph.D Student of Accounting ,Shahrekord Branch, , Islamic Azad University, Shahrekord,Iran

Bahareh Banitalebi Dehkordi

Associate of Department of Accounting,Shahrekord Branch, , Islamic Azad University, Shahrekord,Iran
(Corresponding Author, banitalebi57@yahoo.com) .

Abstract

In a world full of complexities, achieving correct risk management is considered as a fundamental and basic concept in creating entrepreneurship and value creation of organizations, especially in the time of uncertainty that prevents companies from acting quickly and incorrectly and to them. It allows flexibility and resilience. However, with sustainable environmental, social and economic development, organizations face such uncertainty that it is necessary to review the factors affecting risk management and design and explain new models with this approach. Therefore, the purpose of this research is to first deal with the concepts of risk management and types of risks, as well as resilience patterns in times of uncertainty among investors from the perspective of knowledge, and then to present a conceptual model of risk management with a resilience approach for the first time in Iran. To achieve this goal, using metacombination technique, 58 articles published in reliable scientific databases were evaluated between 2000 and 2021. Then, based on the seven-step approach of Sandlowski and Barroso, the codes were extracted, analyzed and classified. After measuring the reliability and validity of the results, finally the proposed conceptual model of risk management with resilience approach was presented. Based on the findings of this research, the proposed conceptual model includes 10 main codes, each of which explains the management of existing risks from the perspective of positivism and interpretation. Also, in the proposed extended model, risk management has been explained from a conceptual point of view, through a flexible multi-dimensional approach at three micro, medium and macro levels, taking into account parameters such as technology, environment, economy and society.

Key words: Risk Management, Resilience, Hybridization